گفت وگو

گفت‌وگو با رئیس سابق موساد

ترجمه : زهرا پویان‌فر

بخش پایانی

افریم هالووی به مدت ۵ سال ریاست سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) را بر عهده داشته است ، سازمانی که یکی از درنده‌ترین و بی‌رحم‌ترین سازمان‌های جاسوسی جهان به شمار می‌آید . در این مدت موساد قتل رهبران حماس و تحقیر یاسر عرفات را برنامه‌ریزی می کرد . او بهتر می‌تواند آینده درگیری حماس و اسرائیل را در شرایط پس از انتخابات اسرائیل ارزیابی کند .

■■■

■شما در مورد حضور آمریکایی‌ها در عراق مطلب نوشته‌اید . شما گفته‌اید که اکنون فرصت خوبی پیش آمده است که آمریکایی‌ها بتوانند برای مدت طولانی در منطقه باقی بمانند زیرا حتی عربستان و چاه‌های نفت هم توسط القاعده تهدید می‌شود . یعنی فکر می کنید آمریکایی‌ها باید بیایند و از نرده‌ها و دیوارها و از همه چیز مراقبت کنند .

امیدوارم این طور نباشد .

■دیوانگی است مگر نه؟

امیدوارم این طور نباشد .

■پس این فکر مال چه کسی است . نومحافظه کاران آمریکا؟

آنچه من فکر می کنم این است که اگر به هر دلیلی شرایط در خاورمیانه وخیم‌تر شود و روند فعلی ادامه یابد و مشکلاتی که در عراق به وجود آمده در جاهای دیگری هم به وقوع بپیوندد در این صورت نه تنها آمریکا بلکه کل غرب باید قدم به داخل بگذارد . زیرا اگر چنین نکنند نتایج وحشتناکی را شاهد خواهند بود . اقتصاد بین‌المللی سقوط خواهد کرد و جامعه جهانی و آزادی جهان غربی در معرض خطر قرار خواهد گرفت .

■جالب است که شما در کتابتان نوشته‌اید دلیل اینکه جورج بوش پدر به بغداد حمله نکرد این بود که عربستانی‌ها معتقد بودند اگر آمریکا یک کشور عربی را اشغال کند جهان عرب با آشفتگی مواجه خواهد شد . حالا شما از اشغال کل جهان عرب سخن می گویید .

نه چیزی که من می گویم این است که اگر وضع به همین منوال ادامه یابد و روز به روز وخیم‌تر شود در این صورت با توجه به وابستگی کل جهان به تحولات خاورمیانه ، با توجه به وابستگی کل جهان به موفقیت در جلوگیری از تروریسم بین‌المللی ، با توجه به اینکه جهان باید از تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری کند و با توجه به اینکه کل جهان به منبع انرژی خاورمیانه وابستگی دارد ، غرب نمی‌تواند کنار بکشد و بگذارد امور به همین منوال ادامه یابد .

■بگذارید به کارنامه اطلاعاتی در این زمینه بپردازیم . شما حتی در کتابتان پذیرفته‌اید که اطلاعات نمی‌تواند پیش‌بینی همه چیز را ممکن کند . برای مثال اینکه شما نتوانسته‌اید تاثیر رادیکالیسم اسلامی را پیش‌بینی کنید که خود مسئله بسیار مهمی است ، حمله یازدهم سپتامبر نیز همین‌طور . و از سوی دیگر اسامه بن لادن هنوز آزاد است . اطلاعات تا کجا می‌تواند از ما مراقبت کند؟

من بر این باورم که اطلاعات در موارد متعددی از رسیدن به اهدافش ناکام بوده است ولی فکر می کنم این هم اشتباه است که هر اتفاقی که در جهان می‌افتد باید اطلاعات را متهم به بی‌کفایتی کنیم . برای مثال این بحث مطرح شده است که مقامات اطلاعاتی آمریکا دو ماه قبل از وقوع یازدهم سپتامبر از تهدید موجود خبر داشتند . ولی آیا آنها می‌توانستند بلافاصله وارد عمل شوند و قوانین لازم برای تجسس را به تصویب برسانند و با انجام اقدامات لازم از این حادثه جلوگیری کنند؟ فکر می کنم به لحاظ سیاسی این کار غیر ممکن است . از جامعه اطلاعاتی نباید تا این حد انتظار داشت زیرا جامعه اطلاعاتی تنها بخشی از کل جهان است و مسئول فرهنگ جهانی یا نظیر آن نیست .

■شما به خطر ایران اشاره کرده‌اید . آیا ایران بزرگ‌ترین کابوس منطقه است؟

ایران یکی از بزرگ‌ترین کابوس‌ها است نه تنها کابوس بزرگ . ولی باور دارم که می‌توان از عهده‌اش برآمد . فکر می کنم وقتی از قبل بتوانیم یک کابوس را شناسایی کنیم و ماهیت آن را بدانیم و قادر باشیم بر آن تمرکز کنیم سرانجام راه‌حلی برای آن پیدا خواهد شد .

■راه‌حل خشونت‌آمیز؟

یک راه‌حل . خشونت آخرین راه‌حل است و نباید راه‌حل آخر را اول به کار برد . اما آنچه من را بیشتر نگران می کند اینها نیستند بلکه مشکلاتی هستند که شناسایی نشده‌اند و یک روز صبح که از خواب برمی‌خیزید یک مرتبه با آنها مواجه می‌شوید و آنگاه می گویید چطور شد که ما از قبل چیزی در این مورد نمی‌دانستیم .

■مقصودتان ناشناخته‌ها است؟

بله . همین طور است .

منبع : بی بی سی

احتمال پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا

مهر : با توجه به نظرسنجی‌های اخیر و افزایش نارضایتی‌ها در بین مردم آمریکا از عملکرد بوش انتظار می‌رود که دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نسبت به جمهوریخواهان شانس بیشتری برای پیروزی داشته باشند . روزنامه واشینگتن پست در گزارش امروز خود نوشت احتمال می‌رود که مخالفت گسترده با جورج بوش رئیس جمهور آمریکا محرکی برای رای‌دهندگان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا باشد و همین مسئله می‌تواند به دموکرات‌ها فرصتی بدهد تا از جمهوریخواهان برای اولین‌بار طی سال‌های اخیر پیشی بگیرند . نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که مخالفت با سیاست‌های بوش و نوع عملکرد وی در داخل و خارج از کشور طی ماه‌های اخیر افزایش یافته و اختلاف عمیقی بین کسانی که مخالف بوش و کسانی که حامی وی هستند وجود دارد . اخیراً تعداد جمهوریخواهانی که اعتراف می‌کنند ممکن است در انتخابات آتی شانس کمتری داشته باشند ، افزایش یافته است . بر پایه نظرسنجی اخیر واشینگتن پست و شبکه خبری ای بی سی ۶۰ درصد از مردم آمریکا با عملکرد بوش و سیاست‌های جنگ‌طلبانه وی مخالف هستند . در این نظرسنجی نشان داده شد که تنها ۳۵ درصد از مردم از عملکرد جمهوریخواهان رضایت دارند و این پایین‌ترین رقم طی ۹ سال گذشته است . ۵۵ درصد از رای‌دهندگان می‌گویند که آنها می‌خواهند به کاندیدای دموکرات رای دهند و ۴۰ درصد هم از کاندیدای جمهوریخواهان حمایت می‌کنند .

مدرسه حقانیه

خاستگاه افراطی‌گری در پاکستان

اولریش لادورنر

ترجمه : محمدعلی فیروزآبادی

بدون تردید در برخی از به اصطلاح مدارس قرآن پاکستان رادیکال‌ترین و نامربوط‌ترین برداشت‌ها از دین اسلام به شاگردان معمولاً کم‌سواد و بی‌سواد افغانی و پاکستانی این مدارس آموزش داده می‌شود . واقعیات سال‌های اخیر نشان داد که غالب افراد طالبان و القاعده دانش‌آموخته چنین مدارسی بوده‌اند . مدرسه قرآن «حقانیه» واقع در پاکستان یکی از نمونه‌های معروف همین مدارس است . در این گزارش سعی شده است با پرداختن به زندگی یکی از شاگردان این مدرسه ، به نمونه‌ای از آنچه از این مدارس بیرون می‌آید ، پرداخته شود . «زکریا» علاقه زیادی به بازی بدمینتون دارد و هر وقت بتواند سراغ این بازی می‌رود و البته به ندرت پیش می‌آید که برنده شود . البته برای زکریا برد و باخت مطرح نیست و صرفاً از خود بازی لذت می‌برد . دلیل اصلی علاقه وی هم در صدایی است که از توپ پردار بدمینتون در رفت و آمدهایش به گوش می‌رسد . زکریا عاشق این صداست . وقتی این صدا به گوش وی می‌رسد به یاد نام این بازی در زبان مادری‌اش «پشتو» می‌افتد : «چیری چیکا» که به معنی دام گنجشک است . واقعاً هم صدای توپ پردار بدمینتون به هنگام دور و نزدیک شدن ، شبیه به صدای پرپر زدن گنجشک است و سحر همین صدا است که باعث می‌شود زکریا تقریباً همیشه بازنده این بازی باشد . همکلاسی‌هایش هر بار که متوجه حواس‌پرتی وی در حین بازی می‌شوند فریاد می‌زنند : «زکریا خوابت برده است ! » می‌توان سراسر زندگی زکریا تا به امروز را به اصطلاح در راستای رابطه وی با این صدا تشریح کرد . در چند سال گذشته این باور محکم در درون این مرد جوان شکل گرفت که باید از هر آنچه وی را از خدا دور می‌کند ، پرهیز کند . از جمله چیزهایی که باعث ایجاد این دوری می‌شود ، سر و صدا است و بخصوص صدای موسیقی . داستان زکریا داستان کسانی است که می‌خواهند با سکوت در نزد خدا عزیز باشند . البته به این صورت نیست که زکریا ناگهان یک روز صبح از خواب بلند شده باشد و ابتدا به ساکن به خودش گفته باشد : «موزیک امر گمراه‌کننده‌ای است و همه چیزهای گمراه‌کننده و فریب‌دهنده من را از راه راست دور می‌کند . » این تفکری که نه یک شبه بلکه به مرور زمان در مدرسه مذهبی «حقانیه» به وی آموخته‌اند . این مدرسه که در منطقه «خوراآتاک» پاکستان واقع است پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ از شهرتی جهانی برخوردار گشت . زیرا بسیاری از افغانی‌هایی که بعدها در کسوت طالبان در آمده و رژیم وحشتناک و بنیادگرای طالبان را در افغانستان تاسیس کردند ، در همین مدرسه درس خوانده بودند . در خلال جنگ افغانستان بود که تصاویر و عکس‌هایی از طلبه‌های ساکت و همیشه اخموی مدرسه حقانیه از طریق رسانه‌های مختلف جهان منتشر شد . پیش از این همه تصور می‌کردند و عقیده داشتند که هر کدام از این طلبه‌ها یک تروریست است و زمانی این فکر و تصور وحشتناک تقویت شد که مدیر مدرسه حقانیه یعنی «مولانا سامی الحق» در سخنانی آتشین آمریکا و غربی‌های کافر و همه کسانی که تفکر وی را قبول ندارند ، به باد ناسزا گرفت . و بدین صورت بود که مدرسه حقانیه به صورت نمادی از نفرت و جهاد برعلیه غرب درآمد .

حال چهار سال از آن زمان گذشته و با وجود آنکه طالبان از اریکه قدرت در کابل به زیر کشیده شده‌اند ، اما همچنان به جنگ‌های پارتیزانی بر علیه نیروهای آمریکایی و متحدین افغانی‌شان ادامه می‌دهند . در این مورد می‌توان ساعات طولانی با زکریا به بحث و تبادل نظر پرداخت اما ترور و علت و انگیزه‌های آن مسئله‌ای است که نمی‌توان در مورد آن با وی هم‌عقیده بود . البته زکریا از آن دسته آدم‌هایی نیست که به هنگام بحث انگشت خود را به علامت خشم و تهدید بلند می‌کنند ، بلکه کاملاً آرام و خونسرد پرسش‌های خود را مطرح می‌کند : «چرا کسی که از وطنش دفاع می‌کند باید متهم به اعمال تروریستی شود؟ چطور آن کسانی که به کشوری دیگر حمله برده‌اند تروریست نیستند؟ » البته زکریا بحث نمی‌کند چون از قبل با پاسخ‌ها آشنایی دارد . البته این هم به آن معنی نیست که وی ساکت و آرام بماند . اگر واقعاً هم این مدرسه تنها محصولش افراد متعصب و یا حتی تروریست باشد ، زکریا از این دسته نیست و چیزی را هم مخفی نمی‌کند .

پس زکریا که می‌تواند باشد؟ از او می‌پرسیم که آیا پس از هفت سال تحصیل در مدرسه حقانیه آیا هنوز هم وقتی به طور اتفاقی نوای موسیقی را می‌شنود ، احساس خاصی دارد؟ و او هم کاملاً صادقانه در جواب ما از مشکلاتی می‌گوید که به این خاطر در زندگی روزمره‌اش با آن درگیر است . به گفته خودش همان روز هنگامی که سوار اتوبوس شده است ، صدای موسیقی به گوشش می‌رسد و از راننده می‌پرسد که آیا امکان دارد آن صدا را خاموش کند و توضیح می‌دهد که موسیقی امری حرام است . به گفته خود زکریا در اکثر مواردی این چنین کسی به وی توجه نمی‌کند و همه تلاش‌هایش نقش بر آب می‌شوند . راننده اتوبوس نگاهی از سر تحقیر و بی‌محلی به زکریا انداخته و گاه زیر لب به هر چه آدم متعصب است ، ناسزا می‌گوید . با وجود آنکه بر طبق قانون اساسی ، پاکستان و دولت این کشور اسلامی قلمداد می‌شود اما هر اتوبوسی در این کشور به صورت سنتی یک دیسکوتک متحرک است و به گفته زکریا یک لجنزار گناه با چهار چرخ ! زکریا در همان حال به آرامی توضیح می‌دهد : «من فقط می‌توانم در این مورد از آنها خواهش کنم چون همه مسافران اتوبوس بلیت خریده‌اند و همه از حقوق مساوی برخوردارند . » البته زکریا باز هم تاکید می‌کند که حتی‌الامکان گوش‌هایش را به روی موسیقی بسته نگاه می‌دارد . گاه پیش می‌آید که باید مواظب چشم‌هایش هم باشد . زیرا در مسیر اتوبوس به سینماهایی می‌رسد که تقریباً همه آنها عکس‌هایی از سینمای هند و زنانی با پوشش نامناسب را به نمایش گذاشته‌اند . در چنین حالتی زکریا از روی اضطرار بیشتر و بیشتر دعا می‌خواند و عبادت می‌کند . شکاف و گودالی عمیق و وحشتناک میان دنیای درونی این مدرسه و دنیای خارج از آن وجود دارد . طالبان در افغانستان موفق به عبور از این گودال شدند چون با خشن‌ترین و غیرانسانی‌ترین روش این گودال را پر می‌کردند . آنها به خاطر تحقق تصورشان از آنچه (از نظر آنها) باید دنیا باشد ، هزاران نفر را قربانی می‌کردند . محکوم کردن طالبان در حضور زکریا کار خطرناکی نیست زیرا وی تنها جوابی که در این مورد می‌دهد این است : «طالبان خیلی خوب بودند زیرا امنیت را برقرار و قوانین اسلامی را پیاده کردند . » زکریا این جمله را در حالی که لبخندی بر لبش نشسته است بیان می‌کند بدون آنکه نشان دهد با این حرف تا چه حد وحشت‌آفرینی و جنایت‌های این گروه را تایید می‌کند . در واقع اطلاعات زکریا درباره افغانستان چیزی در حد صفر است . او تنها یک بار و به همراه یکی از دوستانش یک شب را در یکی از مناطق مرزی افغانستان و پاکستان گذرانده است . زکریا در این مورد می‌گوید : «اصلاً احساس خوبی نداشتم چون عدم امنیت در آنجا کاملاً احساس می‌شد و از اینکه متوجه می‌شدم خشونت در آن منطقه امری همگانی و عمومی است ، قلبم به درد آمده بود . » به گفته زکریا مردم آن منطقه به وی گفته بودند که در زمان حکومت طالبان امنیت کامل در آن منطقه برقرار بوده و البته زکریا با تمام وجود این ادعا را باور دارد . زکریا بارها و بارها تاکید می‌کند که هیچ اعتقادی به خشونت ندارد . و کاملاً هم می‌توان این ادعای او را باور کرد چون تمام روز با مهربانی و محبت هر چه تمام‌تر به پذیرایی از مهمانان خود مشغول بود . زکریا جوانی مطیع و با ادب است که ۲۷ سال سن دارد و به خاطر همین ادب و اطاعت ذاتی هرگز معلمانش به وی اعتراض یا پرخاشی نکرده‌اند . از هفت سال پیش هر روز ساعت ۴ صبح از خواب بلند می‌شود و نماز می‌خواند و بخش‌هایی از قرآن را حفظ می‌کند و سپس سر کلاس می‌رود . در آنجا با همه وجود به درس استاد گوش می‌دهد و در تمام این هفت سال زکریا طلبه‌ای خوب و فرمانبردار بوده است . هنوز یک سال دیگر به پایان تحصیلش باقی مانده و پس از آن می‌تواند به عنوان یک روحانی به وظایف خود در راه خدا و خدمت به بندگان خدا بپردازد .

«سلمان الحق» یکی از استادان زکریا است و کاملاً معلوم است که با وجود آنکه این استاد قصد ندارد به صورت آشکار این مسئله را عنوان کند اما زکریا از جمله شاگردان برگزیده وی به شمار می‌آید . سلمان الحق به شاگرد برگزیده خود این اجازه را داده است تا به اتاقش وارد شود و البته زکریا هم پس از ورود مودب و آرام روی زمین می‌نشیند و هرگز حرف استاد را قطع نمی‌کند و با دیگرانی هم که احتمالاً در آن اتاق حضور دارند ، صحبت نمی‌کند . زکریا صبر می‌کند تا سلمان الحق او را مخاطب قرار دهد . این انتظار زیاد طول می‌کشد چون هر لحظه افرادی به آن اتاق می‌آیند تا با استاد سلمان ملاقات کنند . برخی از آنها شاگردان سابق سلمان هستند که امروز خود در کسوت معلم قرآن درآمده‌اند و همه آنها احترام فوق‌العاده‌ای برای سلمان الحق قائل هستند . یکی از این افراد مردی است به نام «محمد عمر» از دهکده «جلوزای» . او در مدرسه حقانیه حافظ قرآن شده و سپس به شغل فروشندگی سیمان روی آورده است . علاوه بر برادرش «رشید» ، خواهرزاده هشت ساله‌اش یعنی «اسامه» هم در حال حاضر در این مدرسه درس می‌خواند . محمدعمر برای ما می‌گوید که عمویش هم که سال‌ها شهردار این شهر بوده است ، در همین مدرسه حقانیه درس خوانده است . با این تفاسیر خیلی زود می‌توان به این باور رسید که در اینجا خانواده و مذهب و سیاست شبکه‌ای به شدت درهم تنیده است . در این مدرسه از فردگرایی خبری نیست بلکه آنچه حرف اول را می‌زند کار جمعی و گروهی است .

شخصی مثل «سلمان الحق» هم که در ظاهر فقط یک معلم ساده به شمار می‌رود ، تنها به دلیل عضویت در این خانواده از نفوذ زیادی برخوردار است . به همین خاطر ، مردم به دلایل مختلف به دفتر فقیرانه و محقر او که بی‌شباهت به یک انباری نیست ، می‌آیند . همه وسایل این دفتر عبارت است از چند مبل شکسته و زهوار در رفته ، بطری‌های خالی نوشابه ، کارتن‌های پر از نوشیدنی و کتاب‌های رنگ و رو رفته‌ای که در قفسه‌های غبار گرفته قرار داده شده‌اند . هر بیننده‌ای پیش از آنکه مدرسه حقانیه را دیده باشد ، تصویری کاملاً متفاوت از اتاق یک معلم در ذهن خود دارد . با دیدن این مدرسه آن باور همیشگی که فقر احترام و آبروی انسان را کم می‌کند و باید آن را پنهان کرد ، به سرعت از ذهن بیننده پاک می‌شود . این مدرسه با ۳۵۰۰ شاگرد ، ظاهر فقیرانه خود را با سربلندی در معرض دید هر بیننده‌ای گذاشته است و گویی اصلاً قرار نیست جور دیگری به نظر بیاید . از نظر آنان زیبایی و تجمل عقل را ضایع کرده و فرد را از راه راست بازمی‌دارد . زشتی در مدرسه حقانیه در بردارنده پیامی عقیدتی و سیاسی است . البته زکریا از این مسئله تعبیری دیگر دارد و از آن به عنوان بی‌تکلفی و ساده‌زیستی یاد می‌کند . به گفته او یک مرد مذهبی باید ساده و بی‌تکلف و الگویی برای اجتماع باشد و هر گونه تجملی یک گناه به شمار می‌آید . اما آیا زکریا همیشه نسبت با خود و دنیای خود این چنین سختگیر بوده است؟ او در حالی که گویی به خاطر گناهان جوانی شرمنده و خجالت‌زده است می‌گوید ، «بچه که بودم موسیقی گوش می‌کردم . آن زمان در روستا خبر نداشتیم که خداوند از این کار ناراحت می‌شود . » روستا و زادگاه او «تخت‌آباد» نام دارد و زکریا می‌خواهد یک سال بعد که درسش را تمام کرد در وهله اول به آنجا بازگردد و در مدرسه تخت‌آباد تدریس کند . سپس در نظر دارد در صورت امکان به عنوان مبلغ دینی به همه جای کشور برود و البته درس هم بدهد . همه این رویاهای زکریا انجام‌پذیر است زیرا وی در آغاز دوران کاری و فعالیت خود قرار دارد . روستای تخت‌آباد در بیست کیلومتری شهر مهم پیشاور قرار دارد . با توجه به وضعیت دیگر روستاهای پاکستان ، این روستا را نمی‌توان فقیر نامید . زیرا از یک خیابان بزرگ ، یک بهداری ، یک مدرسه دولتی و دو مسجد کوچک برخوردار بوده و علاوه بر آن زمین‌ها و باغ‌هایی پرمحصول نیز دارد . خانواده زکریا هم از زمین‌داران و مالکان ده به حساب می‌آیند و آنقدر امکانات دارند که همه افراد خانواده در آسایش نسبی زندگی کنند ، خانواده‌ای که تعداد آنها چندان کم نیست . زیرا در پشت آن دیوارهای گلی خانه پدری زکریا ، خانواده‌ای ۴۲ نفره سکونت دارد و سیصد عضو دیگر این خانواده در روستا پخش شده‌اند . البته زکریا از تعداد واقعی آنان اطلاع دقیقی ندارد !

زکریا اولین روحانی این خانواده خواهد بود و به گفته خودش همه اعضای فامیل او را در این راه پشتیبانی می‌کنند و می‌گوید : «آنها همه احساس و عاطفه‌شان را نثار من می‌کنند . » زکریا به زودی همان مردی خواهد شد که اهالی روستا برای مشورت نزد او می‌آیند و از او می‌پرسند که آیا فلان کار حرام است یا نه ، آیا فلان شغل شرعی است یا نه . زکریا هم باید برای همه پرسش‌های زندگی پاسخی پیدا کند ، باید کتاب‌هایش را زیر و رو کند ، فکر کند و پس از تامل عقیده‌اش را اعلام کند . اگر زکریا موفق به تاثیرگذاری بر اهالی روستا شود ، قدرتش افزایش پیدا کرده و افراد خانواده همه چیز خود را به پای او خواهند ریخت و به روحانی‌ای به نام زکریا افتخار خواهند کرد و این می‌تواند برای زکریا نقطه آغاز یک راه بزرگ باشد .

البته در روستایی چون تخت‌آباد زمینه‌های فکری برای فعالیت‌های آینده زکریا از هر نظر آماده است . زیرا او نیازی برای به باور رساندن مردم به آن برداشت‌های سختگیرانه و متحجرانه از اسلام ندارد . چون این دهکده نمادی از همین برداشت است . یکی از عموهای زکریا که مردی است کوچک‌اندام و دوست‌داشتنی و بی‌نهایت میهمان‌نواز ، با گفته‌های خود تصویری از جهان‌بینی حاکم بر مردم تخت‌آباد و شاید حاکم بر جامعه بزرگ روستایی پاکستان را در مقابل ما قرار می‌دهد : «هفته قبل یکی از همسایه‌ها تلویزیونش را به مسجد آورد و با چکش آن را خرد کرد و کار درست هم همین بود ! » و زکریا هم سرش را به علامت تایید تکان می‌دهد . زکریا کمی بعد به ما می‌گوید : «به این دلیل می‌خواهم در روستا زندگی کنم چون مردم در اینجا به فکر همدیگر هستند و به یکدیگر کمک می‌کنند اما در شهر هر کس تنها به فکر منافع شخصی‌اش است . »

این باور که این دهکده نمادی است از دنیای پاک ، بیش از هر چیز در ذهن زکریا جای گرفته است . در واقع آن برداشت و باور متحجرانه ابزاری است برای دفاع در مقابل هجوم قدرت سیری‌ناپذیر شهر . از نظر زکریا شهر به معنای «پیشاور» است ، شهری پر از خشونت ، تباهی و ناامیدی و نمادی از زشتی . زکریا اعتراف می‌کند که اگر می‌توانست ترجیح می‌داد از همه دنیا یک «تخت‌آباد» بسازد . البته در همین تخت‌آباد هم به عقیده زکریا و همفکرانش ، فساد و تباهی به صورت خزنده در حال پیشروی است . به عنوان مثال «شمشاد» که یکی از دوستان دوران کودکی زکریا است ، موسیقی گوش می‌کند و البته کسی هم مزاحم وی نمی‌شود . زکریا در این مورد می‌گوید ، «به شمشاد هشدار داده‌ام که در حضور من آواز نخوان اما او فقط به من می‌خندد و اصلاً به روی خودش نمی‌آورد ! » زکریا از خانه بیرون می‌زند و در امتداد آن خیابان خاکی از کنار گورستانی که از علف‌های بلند پوشیده است ، می‌گذرد . چند دقیقه بعد به کنار رودخانه‌ای موسوم به رودخانه کابل می‌رسد . اینجا دیگر نوای موسیقی و آواز شمشاد گوشش را آزار نمی‌دهد . اینجا سکوت حکمفرما است ، همان سکوتی که زکریا به آن نیاز دارد تا به عقیده خودش موجب خشنودی خدا شود . تنها صدایی که گهگاه به گوش می‌رسد ، چهچهه پرنده‌ای در میان درختان است و بس .

منبع : Die Zeit

نکته

یکی از طلاب مدرسه حقانیه :
بچه که بودم موسیقی گوش می کردم
آن زمان در روستا خبر نداشتیم
که خداوند از این کار ناراحت می‌شود
هفته قبل یکی از همسایه‌ها تلویزیونش را به مسجد آورد و با چکش آن را خرد کرد و کار درست هم همین بود!

مدیریت خانوادگی مدرسه حقانیه

مدیریت مدرسه حقانیه خانوادگی و فامیلی است . موسس این مدرسه یعنی «عبدالحق» در سال ۱۹۴۷ و پس از سال‌ها تحصیل در مدرسه مشهور «دیوبند» واقع در دهکده‌ای به همین نام در هندوستان ، به زادگاهش «خورا آتاک» بازگشت و مدرسه حقانیه را در همان سال تاسیس کرد . آموزش‌های این مدرسه بر پایه برداشتی زاهدانه و به شدت سختگیرانه از اسلامی است که در «دیوبند» تدریس می‌شود و به اسلام دیوبندی معروف است . «عبدالحق» شخصیتی کاریزماتیک داشت و چهار بار پی در پی به عنوان نماینده سنای پاکستان انتخاب شد . جالب آنکه عبدالحق هرگز به خاطر سفرها و سخنرانی‌های انتخاباتی کلاس‌هایش را تعطیل نکرد ، چون اصلاً محبوبیتش در میان مردم بیش از آن بود که احتیاجی به تبلیغات داشته باشد . گروه‌هایی از مردم همان طور که امروز نیز نزد خانواده وی می‌آیند ، در آن دوران نیز نزد عبدالحق می‌آمدند تا نصیحتی بشنوند و یا احیاناً وی بتواند در موردی گره از کار آنان بگشاید . خاندان عبدالحق خانواده‌ای است با سازماندهی بی‌نظیر و البته قدرتمند . بزرگ این خاندان در حال حاضر همان سامی الحق است که نه تنها نماینده مجلس سنا بلکه ریاست و رهبری حزب «جماعت اسلامی» را نیز بر عهده دارد . پسر بزرگ وی یعنی «حمید» نماینده پارلمان پاکستان است و پسر دومش «رشید» مدیریت مدرسه «حقانیه» را در کنار پدر بر عهده دارد . دیگر اعضای این خانواده نیز هر کدام گوشه‌ای از این به اصطلاح کارتل خانوادگی را اداره می‌کنند و می‌توان از این خانواده به عنوان ماشین قدرتی یاد کرد که نیروی محرکه آن مذهب است .

خبرها

سر بریدن جاسوس‌های آمریکا در پاکستان

ایلنا : منابع آگاه در پلیس پاکستان اعلام کردند که مظنونان تندرو اسلامگرا دو مرد را به اتهام جاسوسی برای آمریکا در منطقه وزیرستان شمالی واقع در مرز افغانستان سر بریدند . آسوشیتدپرس گزارش داد این منابع پلیسی بدون اعلام هویت این دو مرد تاکید کردند که جسد بدون سر یکی از این دو قربانی نزدیک دهکده‌ای در وزیرستان شمالی پیدا شده است . از سویی دیگر یک پیام نوشته شده به زبان پشتو که در این منطقه منتشر شده است ، هشدار می‌دهد که هر کسی برای آمریکا کار کند می‌تواند سرنوشت این افراد را داشته باشد . همچنین همین منابع فاش کردند که روز شنبه جسد بدون سر یک روحانی را در منطقه قدیمی وزیرستان پیدا کرده‌اند . این روحانی چند روز پیش توسط افراد ناشناس به گروگان گرفته شده بود .

پرودی: کار را شروع کنیم

ایسنا : رومانو پرودی که ائتلاف چپ میانه‌اش با اکثریت بسیار ناچیزی انتخابات پارلمانی ایتالیا را فتح کرد ، بیان داشت که به‌رغم سرپیچی سیلویو برلوسکونی محافظه‌کار از اذعان به شکست ، آماده رهبری دولت آینده کشورش است . به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس ، رومانو پرودی رهبر ائتلاف چپ میانه ایتالیا در خارج از منزل مسکونی‌اش در شهر بولونیا در جمع خبرنگاران اظهار داشت : «فردی به پیروزی رسید و دیگری باخت . دیگر بس است . بیایید به تلاش و کار بپردازیم . کشور باید نفس بکشد ، ایتالیا نیازمند اوج گرفتن است ، به شور و شعف و بهبود اوضاع نیاز مبرم دارد . » این در حالی است که وضعیت سیاسی مبهم ایتالیا پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک‌های جهان را که به مناسبت فرا رسیدن عید پاک در واتیکان به مردم تبریک و تهنیت می‌گفت ، نگران ساخته است . بندیکت شانزدهم گفت : «در برهه زمانی خاصی که ایتالیا شاهد اتفاقاتی بوده ، باشد که خداوند آرامش را برای جامعه به ارمغان آورد و به همه کسانی که در راستای خدمت به کشور تلاش می‌کنند ، جهت پیشبرد اهدافشان که همانا همنوایی و توسعه قابل اعتماد به سود همه ماست ، قدرت و شوق وافر اعطا کند . » پرودی چندی پیش درخواست خود را مجدداً مطرح کرد مبنی بر اینکه برلوسکونی باید به شکست خود در انتخابات اعتراف کرده و به خاطر طرح ادعاهایش در خصوص بروز تقلب معذرت‌خواهی کند .

توجه دوباره به قانون واحد اروپا

مهر : روزنامه دی‌پرسه در شماره دیروز خود نوشت به نظر می‌رسد کشورهایی که هسته اصلی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند باید برای احیای دوباره قانون اساسی واحد اقدام کنند . به گزارش این روزنامه اتریشی با روی کار آمدن «رومانو پرودی» در صحنه سیاسی ایتالیا پس از انتخابات اخیر در این کشور بار دیگر بحث تصویب و اجرای قانون اساسی واحد در میان کشورهای اروپایی مطرح شد . پرودی با تاکید بر اینکه دولت جدید ایتالیا اهداف اتحادیه اروپا را با جدیت دنبال می‌کند ، اظهار داشت : «ایتالیا از جمله دولت‌های مهم اروپایی است که می‌تواند تاثیر بسزایی بر روند برنامه‌های این اتحادیه بگذارد» . وی در گفت‌وگو با روزنامه ساندی تلگراف تصریح کرد : «نه تنها آلمان ، فرانسه و انگلیس بلکه کشورهایی مانند لوکزامبورگ و بلغارستان نیز باید گام‌هایی را در راستای تحقق اجرای قانون اساسی واحد بردارند . » کشورهای ایتالیا ، فرانسه ، آلمان و اسپانیا از جمله کشورهایی هستند که باید با در پیش گرفتن تدابیر لازم مسیر تصویب و اجرای قانون اساسی واحد را در میان اروپا فراهم کنند . آخرین اخبار مبنی بر لزوم اجرای قانون اساسی واحد تا سال ۲۰۰۹ میلادی است .

گرایش رای‌دهندگان انگلیسی به گروه‌های تندرو

ایرنا : یک گزارش جدید در انگلیس حاکی است که سرخوردگی شهروندان این کشور از عملکرد دولتمردان قبلی از احزاب عمده کارگر و محافظه‌کار گرایش آنان را به گروه‌های افراطی بیشتر کرده است . «بنیاد جوزف رون‌تری» روز دوشنبه اعلام کرد : «نزدیک به ۲۵ درصد افرادی که توسط این موسسه پژوهش‌های اجتماعی مورد سئوال قرار گرفتند ، گفته‌اند که احتمال دارد در انتخابات آتی شوراهای محلی به «حزب ملی بریتانیا» (بی ان پی) که دارای گرایش‌های راست تندرو است رای دهند . » رهبران و اعضای آن حزب به داشتن مواضع افراطی به ویژه در مقابله با پدیده مهاجرت به انگلیس به ویژه در برخورد با اقلیت‌های نژادی و دینی شهرت دارند . بی ان پی در انتخابات سراسری سال گذشته موفق شد با کسب ۱۷ درصد از آرا جایگاه سوم را در این منطقه به خود اختصاص دهد . اگرچه انتظار نمی‌رود این حزب که از نظر اهمیت به مراتب پایین‌تر از حزب حاکم کارگر و احزاب مخالف محافظه‌کار و لیبرال‌دموکرات قرار دارد در انتخابات محلی سراسری موفقیت قابل توجهی به دست آورد ، با این حال گزارش اخیر و اظهارات وزیر انگلیسی نگرانی از شدت یافتن گرایش‌های تندروانه در این کشور را افزایش داده است . بی ان پی تعداد بی‌سابقه ۳۶۵ نامزد را برای کسب ۳۰ جایگاه در انتخابات ماه آینده معرفی کرده است .

کشته‌شدن غیرنظامیان افغان در حمله آمریکا

بی بی سی : نظامیان آمریکایی در افغانستان پذیرفتند که در جریان درگیری سنگین آنها با شورشیان در ولایت کنر ، دست‌کم هفت شهروند غیرنظامی افغان کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند . این تلفات در جریان درگیری نظامیان آمریکایی با گروهی از شورشیان در کنر به وجود آمد و نظامیان آمریکایی می‌گویند تحقیقات در مورد این حادثه آغاز شده است . در این درگیری که بیش از یک هفته گذشته در ولایت کنر جریان داشته ، دست‌کم ۱۴ فرد مظنون وابسته به طالبان کشته و زخمی شدند و آن گونه که نیروهای آمریکایی می‌گویند در تازه‌ترین حمله آنها به دره کلنگل نیز شماری از شورشیان کشته شده‌اند . نظامیان آمریکایی در افغانستان با انتشار یک اعلامیه از تلفات غیرنظامیان در این درگیری ابراز تاسف کرده و گفته‌اند که سه فرد مجروح به بیمارستانی در اسعدآباد مرکز ولایت کنر منتقل شده‌اند . در همین حال نظامیان آمریکایی می‌گویند تحقیقاتی را در این مورد آغاز کرده‌اند که گویا شماری از افراد پلیس افغان در ولایت قندهار ، در نتیجه آتش خودی کشته شده‌اند .